تغییر نام ماموریت ایالات متحده آمریکا در عراق:

“مشاورین” و “مددکاران” خوش آمدید!
سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۹ – ۳۱ اوت ۲۰۱۰

Eric Margolis
Huffington Post / Antikrieg.com
برگردان ناهید جعفرپور
در باره نویسنده” اریک مارگولیس ژورنالیست آلبانی/آمریکائی است که مقالاتش در نیویورک تایمز، تریبون بین المللی هارالد، لس آنجلس تایمز و تایمز لندن چاپ می گردند”.
آیا به واقع خروج آمریکا از عراق آغاز گردیده است؟ آیا این جنگ که تا کنون 700 میلیارد دلار را بلعیده است به پایان خود نزدیک می شود؟

رئیس جمهور باراک اوباما وعده خویش را تجدید نمود که تمامی لشکرهای جنگی ایالات متحده آمریکا را از ماه اوت 2010 از عراق خارج خواهد نمود و آنچه را که از نیروی اشغال گر باقی می ماند را تا پایان 2011 بیرون خواهد برد. اوباما در مبارزه انتخاباتی اش قول داد که تمامی ارتش آمریکا را در سال 2010 از عراق خارج سازد. اما پنتاگون توانست زمان خروج ارتش از عراق را به عقب بیاندازد.
آیا کلیه لشکرهای ارتش به خانه بازخواهند گشت؟ امیدوارم اما روی این مسئله شرط بندی نکنید. به این فکر کنید که ارتش آمریکا بعد از 6 دهه از جنگ کره هنوز در کره جنوبی مستقر می باشد.
50000 سرباز باقیمانده آمریکا (تا سال 2011) در عراق می بایست وظیفه “مشاور” و “مددکار” و یا هیئت های مبارزه با ترور و همچنین آموزش ارتش عراق را بعهده گیرند. برای من بعنوان تحلیلگرجنگی و تاریخ شناس ارتشی قدیمی این مسئله کاملا بمانند عملیات ارتش بومی در زمان افسران سفید تحت حکومت امپراطوری بریتانیا است. این ارتش آموزشی ایالات متحده آمریکا اجالتا از 6 بریگاد جنگی مسلح به سلاح سنگین با پشتیبانی هواپیماهای جنگی در پایگاه های هوائی آمریکا در منطقه خلیج دوره گشته است. یکی از بریگاد های خارج شده آمریکا از عراق در کشور همسایه عراق کویت مستقر خواهد شد و بخش بزرگ ارتش به افغانستان فرستاده می شود.

در این عقب نشینی به هیچ وجه صحبت از 85000 مزدوری که از سوی آمریکا در عراق با قرار داد بکار مشغولند صحبتی نیست.
طبق پیمان ارتشی میان آمریکا و عراق، اکنون و در آینده ایالات متحده آمریکا ازتمامی حقوق هوائی بر فراز عراق برخوردار است. تا چه مدت این قانون پا برجا خواهد بود مشخص نشده است. این مسئله با این وجود شاخص مهمی در جهت خواسته های واشنگتن بعد از اینکه برتریت هوائی اش کلید قدرت نظامی اش پیرامون کره زمین گردد، خواهد بود. هرحمله اسرائیلی به ایران به احتمال بسیار قوی از طریق حریم هوائی عراق انجام خواهد پذیرفت.
بزبان دیگر سه وحدت آمریکا (سه وحدت در تئولوگی مسیحی) از "خدا، خمپاره، نفت" تشکیل شده است. ذخایر نفتی عراق چیزی در حدود 112 میلیارد بشکه تخمین زده شده است. ذخایری که دومین ذخایر بزرگ جهان بعد از عربستان سعودی است. کانادا سومین مقام را دارا می باشد. عراق همچنین دارای ذخایر بسیار غنی گاز که از اهمیت فراوانی برخوردار است، می باشد.
قدرتمندترین کنسرن نفتی آمریکا " 7 خواهران" غالب چاه های نفتی جهان را از دست های دولت های ملی و شرکت های نفتی دولتی بیرون آورده و آنان را جایگزین شده است. صدام حسین رهبر عراق کنسرن های آمریکائی، بریتانیائی و فرانسوی را از عراق بیرون راند و بدان وسیله سرنوشت خویش را رقم زد.
بزرگترین کمپانی های نفتی در سال 2003 با حمله آمریکا به عراق وارد عراق گشته و تولید نفت و صادرات نفت از عراق را بعهده گرفتند.
ایالات متحده آمریکا خود هنوز به نفت عراق احتیاجی ندارد. اما کنترل بر نفت عراق قدرت و نفوذ آمریکا را بر وارد کنندگانی چون چین، هندوستان، ژاپن و اروپا بی اندازه می کند. کنترل بر نفت خاورمیانه همچنان نشانه رهبریت آمریکا بر جهان است.
انتظار نمی رود که ایالات متحده آمریکا از عراق بکل بیرون رود. واشنگتن بنظر می رسد به مدلی که امپراطوری بریتانیا در سال های 1920بکار برده تا نفت بلاد مابین النهرین را صاحب شوند، روی آورده است. آنهم به این صورت که در این مناطق دست نشانده های خویش را برهبریت برسان و یک ارتش بومی برای محافظت از آن ایجاد کن و برخی از لشکرهای بریتانیائی را در پایگاه هائی در صحرا مستقر کن و یک لشکرقوی هوائی برای بمباران نگهبانان شرور این منطقه که مزاحم " پاکس بریتانیکا" هستند به وجود آور تا بدینوسیله نفت ارزان را بدست آوری.
واشنگتن در بغداد سفارتخانه هائی در حال ساخت دارد که 740 ملیون

دلار هزینه برداشته اند و 800 کارمند برای آن ها کار خواهند نمود. همچنین در کابل و اسلام آباد و پاکستان (هزینه یک میلیارد) سفارت خانه هائی در طرح ساخت دارد که برای 1000 دیپلمات آمریکائی جای باز می نماید.
ایالات متحده آمریکا امیدوار است که رژیم شیعه مالکی که آنها در بغداد روی کار آورده اند، بتواند عراق را کنترل کند و این خود امکان این را به وجود آورد تا کردستان کاملا مستقل یک پشتیبان ایالات متحده آمریکا بنوعی به شکل کویت باقی بماند. البته اگر از تاریخ عراق حرکت کنیم بنظر می رسد که احتمال این کار وجود نخواهد داشت.
"آزاد سازی" آمریکائی، عراقی به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تکه تکه و از هم متلاشی شده و بقول طاریق عزیز وزیر امور خارجه اسبق " کشته شده" بجای گذاشت.
جمهوری خواهان در آمریکا بشکرانه دفاع معروف جان مک کین از " گسترش نظامی" ابراز خوشحال از پیروزی در عراق نمودند. اما پشت این شایعات غلط حقیقتی تلخ و وحشتناک قرار گرفته است.
بررسی های قابل اعتماد نشان می دهند که تعداد کشته شدگان در عراق رقمی بین صدها هزار تا یک میلیون می باشد. البته 500000 کودک عراقی که در اثر تحریم های سال 2003 بیمار شده و جان خود را از دست داده اند و گزارش آنرا ناظرین سازمان ملل داده اند به این آمار اضافه نشده است.
4 میلیون عراقی سنی آواره گشته اند (قربانی پاکسازی های شیعه ها گشته اند) که نیمی از آنها در خارج بسر می برند. واشنگتن آن مبلغ میلیونی کذائی را خرج نمی کند تا به جنگجویان سنی رشوه بدهد که آنان اسلحه خویش را زمین بگذارند.
تعداد زیادی از پزشکان و دانشمندان عراقی بقتل رسیده اند. بسیاری از عراقی ها فکر می کنند که ـ البته بدون دلیل و مدرک ـ که آنها از سوی موساد اسرائیل کشته شده اند. شهرهای بزرگ توسط دیوار های کوچک تو در توی بتونی که آمریکائی ها ساخته اند کنترل می شوند و در هوای 40 درجه تنها چند ساعت برق وجود دارد. از طریق بکار گیری نوعی تسلیحات با فشنگ های " د او" بیماری های سرطانی آنچنان شایع شده است که در افغانستان شایع است.
تاسیدوس در زمان خودش در باره خرابی روم گفته بود که:" اینها همه جا را به بیابانی تبدیل می کنند و اسمش را " صلح " می گذارند".
بخاطر ترس از حمله آمریکا به ایران، دولت ایران نقش مهمی را در ضعیف شدن مقاومت بر علیه اشغال عراق توسط آمریکا بازی نمود. آنها به شبه نظامیان شیعه در عراق و ارتش مهدی دستوراتی دادند که

اسلحه را زمین بگذارند و مدت زمانی با رژیم مالکی همکاری کنند. اگر تمامی ارتش آمریکا از عراق بیرون بروند برای رژیم دست نشانده مالکی این خطر وجود دارد که سریعا برکنار بشود و احتمالا یک دولت ملی عراقی نفت را مجددا دولتی سازد و کشور مخروبه را دوباره بازسازی کند و مجددا خود را مسلح سازد و به مبارزه عربی بر علیه اسرائیل بپیوندد. یا اینکه ایران روزی بر بخش بزرگی از مناطق شیعه نشین سرشار از نفت حکومت کند. از این روی این قابل قبول نیست که واشنگتن بخواهد به یکی از این دو گزینه تن دهد.
مقاومت مسلحانه عراق بر علیه اشغال بیگانه هر چه زمان خروج ارتش آمریکا نزدیک تر می شود، ضعیف تر می گردد. شمار قربانیان آمریکا بشدت کم شده است. زیرا که سربازان ارتش آمریکا در پایگاه ها جای گرفته اند. البته این مسئله می تواند سریعا تغییر کند.
چشم انداز آینده عراق احتمالا خشونت های بسیار در بر دارد. ارتش آمریکا در عراق خواهد ماند تا کنسرن های نفتی عراق را محافظت نماید. البته به عنوان توجیح گفته می شود که آنها می خواهند " مبارزه بر علیه تروریسم کنند" اما دلیل واقعی درست بمانند افغانستان نفت است. ماده ای که همانطور که می دانیم دقیقا بعد از خدا می آید.
عراق شکست خورده را فتح کردن آسان بود اما از آن بیرون آمدن احتمالا سخت تر خواهد بود. در هر حال عراق می تواند طبیعتا بخشی از برنامه طولانی مدت واشنگتن باشد به این مفهوم که آمریکا برای خود امپراطوری در خاورمیانه بسازد.